

عبارت دیگر فلکلور را مطالعه و بررسی می‌کند، به‌کار می‌برند. بنابراین، همان‌طور که زیان‌شناسی<sup>۴</sup> علمی است که به مطالعه زبان‌ها می‌پردازد فلکلورشناسی<sup>۵</sup> نیز دانشی است که فلکلور را مورد مطالعه و بررسی قرار می‌دهد.

کتاب *مقدمه‌ای بر فلکلورشناسی* دقیق‌ترین و کامل‌ترین کتابی است که تاکنون در باره دانش فلکلورشناسی و روش‌شناسی‌های نوین در بررسی و مطالعه فلکلور نوشته شده است. مؤلفان آن «رابرت جورج، استاد بازنشسته ادبیات انگلیسی و فلکلور دانشگاه کالیفرنیا در لس‌آنجلس و مایکل جونز، استاد فلکلور و اسطوره‌شناسی همین دانشگاه هستند. جورج کتاب *روایت‌ها و باورهای عامه آمریکاییان یونانی*، تبار<sup>۶</sup> را تألیف و کتاب *مطالعاتی در باره اسطوره‌شناسی*<sup>۷</sup> را ویرایش کرده و در گردآوری *فلکلور قومی و فلکلور مهاجران آمریکایی و کانادایی*<sup>۸</sup> با استفان استرن و تألیف کتاب *مردم در بررسی مردم*<sup>۹</sup> با جونز همکاری در همین کتاب، شرکت داشته است. جونز هم کتاب *کاوش درباره صنعتگر و هنر عامه در جزایر کامبر*<sup>۱۰</sup> را تألیف و کتاب *به‌کارگرفتن فلکلور*<sup>۱۱</sup> را ویراستاری کرده است. مطالب کتاب در یک مقدمه و چهار بخش، یا به گفته مؤلفان چهارچشم‌انداز، و یک نتیجه‌گیری کلی تنظیم و تدوین شده است. مقدمه و چشم‌اندازها تحت عناوین زیر آراسته شده‌اند:

<sup>۴</sup> linguistics

<sup>۵</sup> folkloristics

<sup>۶</sup> Greek American Folk Beliefs and Narratives

<sup>۷</sup> Studies on Mythology

<sup>۸</sup> American and Canadian Immigrant and Ethnic Folklore

<sup>۹</sup> People Studing People

<sup>۱۰</sup> Exploring Folk-art and Craftsman of The Cumberlands

<sup>۱۱</sup> Putting Folklore to Use

*مقدمه‌ای بر فلکلورشناسی*، جورجز، رابرت ا؛ جونز، مایکل آون، بلومینگتون و ایندیاناپولیس؛ انتشارات دانشگاه ایندیانا، ۱۹۹۵، ۳۳۶ ص.

**FOLKLORISTICS AN INTRODUCTION**

Georges, Robert A. & Jones, Michael Owen, Bloomington and Indianapolis, Indiana University Press, 1995.

علی بلوکباشی\*

از زمانی که ویلیام تامس، عتیقه‌شناس انگلیسی، اصطلاح "فلکلور" را به جای اصطلاح‌های «رسوم کهن عامه»<sup>۱</sup> و «ادبیات عامه»<sup>۲</sup> به جامعه انگلیسی زبان پیشنهاد کرد (دز ۱۲ اوت، ۱۸۴۶)، بیش از ۱۵۰ سال می‌گذرد. با اینکه کاربرد این واژه در ادبیات انگلیسی ۲۵ سال قدیم‌تر از کاربرد اصطلاح "کالچر" (فرهنگ) به مفهومی است که ادوارد تیلر، مردم‌شناس انگلیسی نخستین بار آن را در ۱۸۷۱ در کتاب *فرهنگ ابتدایی*<sup>۳</sup> به‌کاربرد، لیکن هنوز برسر مفهوم و دامنه و قلمرو فلکلور در میان علمای فلکلورشناس بحث و گفتگو است. اصطلاح فلکلور هم به موضوع‌ها و مواد و هم به دانشی که این موضوع‌ها و مواد را مطالعه و بررسی می‌کند، اطلاق می‌شود. چندی است که دانشمندان فلکلورشناس برای ابهام زدایی و پرهیز از آشفتگی در معنا و مفهوم دوگانه فلکلور، این واژه را برای موضوع‌ها و مواد مورد مطالعه این دانش و اصطلاح folkloristics را برای دانشی که این موضوع‌ها و مواد، یا به

\* عضو شورای عالی علمی دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، و مدیر گروه مردم‌شناسی دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

<sup>۱</sup> popular antiquities

<sup>۲</sup> popular literature

<sup>۳</sup> primitive culture

میزبان» و «تماس‌های دیگر میان -گروهی درون جامعه‌ها» می‌پردازد.

چشم‌انداز چهارم نیز دو بخش با عناوین «فلکلر و روانشناسی انسانی» و «فلکلر به منزله سرمایه شخصی» دارد. بخش نخست در باره مباحث «تقریب»، «مطالعات جهت‌یافته به روانکاوی»، «روانشناسی تکاملی»، «رفتار با قاعده و قانونمند» و بخش دوم در زمینه مباحث «فلکلر در بافت زندگی نامه‌ای» و «فلکلر به مثابه رویداد» گفتگو می‌کند.

هر یک از مباحث و بخش‌های چشم‌اندازهای چهارگانه با «نتیجه‌گیری» از مطالب ارایه شده در آن بخش و بحث و «یادداشت‌های» مربوط به آن‌ها پایان می‌پذیرد. هر بخش نیز با قاب‌ها یا خانه‌هایی حاوی اهم موضوع‌های مربوط به آن بخش و مبحث و نقل قول‌هایی از صاحب‌نظران و بزرگان دانش فلکلر و مردم‌شناسی و شاهد مثال‌هایی از مواد فلکلری آراسته و تکمیل شده است.

بخش «نتیجه‌گیری» پایان کتاب نظری کلی به موضوع فلکلرشناسی دارد و مسایلی را زیر عنوان «چهار چشم‌انداز»، «پرسش‌های تکراری در فلکلرشناسی»، «موضوع‌های بسامدی در فلکلرشناسی»، «چهار چشم‌انداز در فلکلرشناسی کاربردی» و «شاخصه فلکلرشناسی» شرح و توضیح و تحلیل می‌کند. پایان بخش کتاب نیز یک «نماینه» موضوعی است.

در مقدمه کتاب مؤلفان زیر عناوین «شمول فلکلر»، «طبیعت متنوع فلکلر»، «چگونه فلکلر مستند می‌شود؟»، «چگونه فلکلرشناس‌ها به استخدام در می‌آیند؟» و «چگونه فلکلر را می‌نگرند و مطالعه می‌کنند؟» مباحث زیر را مورد مطالعه قرار می‌دهند:

جامعیت و فراگیری و گونه‌گونی مواد فلکلری؛ سازی و جاری بودن فلکلر در همه دوران و در

مقدمه: فلکلر و مطالعه آن؛

چشم‌انداز نخست: فلکلر، همچون مصنوع تاریخی؛

چشم‌انداز دوم: فلکلر، همچون جوهر توصیف پذیر و قابل انتقال؛

چشم‌انداز سوم: فلکلر، همچون فرهنگ؛

چشم‌انداز چهارم: فلکلر، همچون رفتار؛

چشم‌انداز نخست دو مبحث «فلکلرشناسی، یک دانش تاریخی» و «بازمانی، استمرار، بازآفرینی و منبع تاریخی» را در برمی‌گیرد. در مبحث نخست موضوع‌هایی مانند «از انگاره افزارواری تا اندام‌واری»، «اندام‌واری و تحول فلکلرشناسی»، «ملی‌گرایی و هم‌سنجی‌گرایی»، «تحول‌گرایی و اثرات آن بر فلکلرشناسی» و «بدویت فلکلر» و در مبحث دوم «بازمانی»، «استمرار»، «بازآفرینی» و «منبع تاریخی» به تفصیل شرح و توضیح داده می‌شوند.

چشم‌انداز دوم به دو مبحث «فلکلر، همچون گونه و سنخ» و «نشر فلکلر» می‌پردازد. در مبحث نخست موضوع‌هایی تحت عناوین «مفهوم صورت/گونه» و «مفهوم سنخ»، و در مبحث دوم موضوع‌هایی با عناوین «صورت به‌هजार»، «توزیع سنخ‌ها»، «چندتکوینی»، «تک‌تکوینی»، «روش جغرافیایی-تاریخی»، «خودکوچی» و «اشاعه» مورد بحث و تحلیل قرار می‌گیرند.

چشم‌انداز سوم دو بخش «فلکلر در بافت‌های فرهنگی» و «فلکلر در فرهنگ گروه‌های در تماس با یکدیگر» را در برمی‌گیرد. در بخش نخست به مقولاتی چون «فلکلر، وجهی از فرهنگ»، «روابط میان فلکلر و پدیده‌های فرهنگی دیگر»، «فلکلر در بافت‌های ایلی و ملی» و «فلکلر در اجتماعات و خرده‌گروه‌های اجتماعی» و در بخش دوم به مقولاتی چون «فرهنگ‌های ایلی؛ ملی در تماس با یکدیگر»، «تماس‌های میان گروه‌های مهاجر و جامعه‌های

نمونه‌هایی از فلکلور مربوط به گروه‌های شغلی، جامعه‌های دینی، کودکان، زنان و مردان هم‌جنس‌باز نیز در کتاب آمده است. مؤلفان واژه فلکلور را به صورت‌ها، فرآیندها و رفتارهایی تبیین-اطلاق می‌کنند که آن‌ها را به هنگام کنش‌ها و واکنش‌های روبه‌رو عادتاً می‌آموزیم و می‌آموزانیم و به کار می‌بریم و به سستی بودن آن‌ها حکم می‌دهیم، زیرا که: اولاً این آموزه‌ها بر سوابق و انگاره‌های شناخته‌شده بنیاد نهاده شده‌اند؛ ثانیاً همچون شاهد و مدرکی از استمرار و پایداری معرفت، تفکر، باور و احساس بشری در خلال زمان و فضا عمل می‌کنند.

مؤلفان اصطلاح folkloristics را مترادف اصطلاح‌های folklore studies و folklife-research می‌گیرند و آن را رشته‌ای از دانش می‌دانند که به مطالعه هویت‌شناسی، سندشناسی، شخصیت‌سازی و تحلیل رفتارها، فرآیندها و صورت‌های تبیینی اختصاص دارد. آن‌ها فلکلور را رکن اصلی و جداناپذیر زندگی روزانه مردم می‌دانند و می‌گویند، مثلاً وقتی که می‌گوییم «دستم‌ان مثل یخ سرد است، یا می‌گوییم این اتاق «مثل تنور گرم» است، (در فارسی می‌گوییم مثل حمام است) به زبان فلکلوری سخن می‌گوییم و از سنجه‌هایی همراه با شواهد شناخته شده و متداول در جامعه استفاده می‌کنیم. همچنین، وقتی که بخواهیم به هنگام به زبان آوردن تندرستی و موفقیت‌های تداوم یافته، بلا را از خود دور کنیم و به سزوشتم بد دچار نشویم، معمولاً به چوب می‌زنیم. این کار تداوم عملی است که ریشه در باورها و شعایر یونانی باستان، کهنات و مسیحیت دوره آغازین دارد. در سراسر جهان عطسه کردن معمولاً با پاسخ‌هایی مانند «عافیت باشد»، «پناه بر خدا» و «خوش‌زی» همراه است. این‌گونه پاسخ‌ها نیز همه ادای بیانی سستی

همه شئون زندگی روزانه و رفتار مردم؛ آشکارشدن و نمود و بندیت یافتن فلکلور در حیات اجتماعی مردم؛ اشتغال فارغ‌التحصیلان رشته فلکلورشناسی در کارهای آموزشی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، بهداشتی، خدماتی و... شیوه سه‌گانه نگرش دانشمندان و پژوهش‌گران به فلکلور و مطالعه و بررسی آن، نخست به مثابه صورت‌هایی انفرادی و انتزاعی، دوم به عنوان زمینه فرعی رشته‌های علمی ادبیات، مردم‌شناسی، تاریخ، زبان‌شناسی و روان‌شناسی، و سوم به مثابه محصول و ثروت فرهنگی «گروه‌های عامه»<sup>۱۲</sup> در جامعه.

در میحث چگونگی نگرش به فلکلور و مطالعه آن می‌نویسند فلکلورشناس در تعبیر و تفسیر و یا پژوهش فلکلور ممکن است یک یا چند تا همه چهارچشم‌انداز فلکلور، یعنی مصنوع تاریخی، وجود و صف‌ناپذیر و قابل انتقال، فرهنگ و رفتار را همچون شیوه‌هایی در نظر بگیرند و به کار ببرند. این چهار شیوه هر یک مجموعه‌ای پیش‌فرض در باره طبیعت و حوزه عمل فلکلور مطرح می‌کند. این پیش‌فرض‌ها مفاهیمی را که برای فلکلورشناس در بررسی‌ها و طرح پرسش و پاسخ‌های اصلی و مهم‌اند، و نوع ففونی که در پژوهش و سندبایی و آرایه و بیان و نمایش فلکلور به دیگران به کار می‌برند، تعیین و تقریر می‌کنند.

در این کتاب مؤلفان بیش از ۴۰۰ نمونه از فلکلور مردم جامعه‌های گوناگون را گرد آورده‌اند. نمونه‌ها اشتغال دارند بر فلکلور امریکایی‌های بومی؛ فلکلور آفریقایی، مکزیکی و ژاپنی؛ فلکلور مردم فیلیپین، جزیره تونگن، فنلاند، روس، پرو، کاستاریکا، ویتنام، انگلیس؛ اقوام منده سیرالئون<sup>۱۳</sup> و چکوه زئیر<sup>۱۴</sup>.

<sup>۱۲</sup> folk groups

<sup>۱۳</sup> Mende of Sierra Leone

<sup>۱۴</sup> Chokowe of Zaire

همچون شیوه‌ای در رساندن ادراکات و ارزش‌ها به کار روند. نویسندگان کتاب *فلکلرشناسی* نمونه‌های مواد فلکلری را دربرگیرنده هزاران صورت و نوع می‌دانند و می‌گویند: با اینکه میانجی اصلی ارتباطی بسیاری از نمونه‌ها، یا گونه‌های فلکلر، مانند قصه‌ها، تصنیف‌ها، اسطوره‌ها، ضرب‌المثل‌ها و سرودها زبان اوست؛ لیکن نمونه‌های فلکلز غیرزبانی که در آن‌ها زبان نقش مستقیم ندارد، مانند بسیاری از بازی‌ها همچون بازی «لی‌لی» و «قایم‌باشک» و بسیاری از آداب و رسوم و آئین‌ها برنمونه‌های فلکلر زبانی بیشی دارند. آن‌ها موسیقی، رقص، باورها (به‌جز باورهاهایی که زبانگرداند) و ساخت و ساز اشیا (مگر اشیایی که صنعتگران چگونگی شیوه ساخت و کارکرد آن‌ها را توصیف و بیان می‌کنند) را نیز از جمله نمونه‌های فلکلر غیرزبانی می‌دانند.

هستند که نمونه‌ای از فلکلر جاری در زندگی امروز ما به‌شمار می‌روند. مؤلفان، فلکلرشناسی را دانشی جامع و فراگیر با کاربردهای گسترده و متنوع می‌دانند و آن را به همه زمینه‌ها مانند ادبیات، فیلم، تلویزیون، کارتون، نوارهای فکاهی و آگهی‌های تبلیغاتی تعمیم می‌دهند. می‌گویند نویسندگان برای رساندن یک مضمون عمده در اثر ادبی خود و تصویر کردن و تقویت نمودن آن مضمون از فلکلر همچون یک وسیله اصلی بهره می‌گیرند. مثلاً اینازیو سیلونه<sup>۱۵</sup> نویسنده ایتالیایی در داستان *نان و شراب* که در ۱۹۳۶ چاپ و منتشر کرد، عقیم ماندن کوشش‌های پیتر و «سینا»، مبارز عمشل‌گرا را در گردآوردن روستاییان ابروزی<sup>۱۶</sup> برای راهپیمایی به سود اهداف سیاسی جبهه چپ، در نتیجه ترس روستاییان از «چشم بند» و نیروی پدیده‌های فراطبیعی سستی می‌داند. او شیوه‌های بسیار دیگری را که مردم روستا می‌کوشند از طریق آن‌ها خود را از نیروهای بدشگون نامریی حفظ کنند، توصیف می‌کند. به این‌گونه سیلونه روشن می‌کند که مانع اصلی دگرگونی در منطقه روستانشین ابروزی، جهان‌بینی جمعی محافظه‌کارانه و تقدیرگرایی ساکنان آن روستاست.

نویسندگان غالباً فلکلر را به صورت طرح کلی یا شیوه ساختاری آثار ادبی خود به کار می‌برند. باورها، ضرب‌المثل‌ها، روایت‌ها و نمونه‌های دیگر فلکلر می‌توانند در آثار ادبی لحنی پدیدآورند یا وجه و حالتی را تغییر دهند. گویش و مثل‌های سستی می‌توانند ویژگی و مفهومی از فضا را برسانند. حکایات می‌توانند

<sup>۱۵</sup> Ignazio Silone

<sup>۱۶</sup> Pietro Spina

<sup>۱۷</sup> Abruzzi